

یادی از شادروان صفدر خیرعلی

هنرمند موسیقی بومی افغانستان

«موسیقی مانند کشوری است که روح من در آن حرکت می‌کند. در آن جا هر چیز، گل‌های زیبا می‌دهد و هیچ علف هرزه‌ای در آن نمی‌روید. اما تعداد کمی از افراد می‌فهمند که در هر قطعه از موسیقی چه شوری نهفته است.» (بتھون)



بزن این زخمه،

اگر چند در این کاسه تنبور نمانده است صدایی...

بنیاد آندپیشه
تاسیس ۱۳۹۴

کوک اول- خنیاگر کوهستان

خنیاگر و رامشگری از متن کوهسارهای ارزگان شمالی تا قاف موسیقی؛ حنجره‌ای با هزاران تارهای صوتی آشفته و سرگردان، آوایی از درون کوهستان‌های دل‌تنگ هزاره‌جات تا مرزهای غریب غربت و هجرت مهجور. آب، باد، آتش، باران از زخمه انگشت‌های صفدر خیرعلی مرد دهاتی آوازخوان و دمبوره چی بر زه و تارهای دمبوره، آب، باد، آتش شد و باران.

صفدر خیرعلی از خنیاگران نسل طلایی قدیمی دمبوره و آواز؛ آواز مردم گمنام و محروم که در کالبد تار و حنجره صفدر خیرعلی درآمیخت

علی پیام

و در قامت ملودی و آهنگ تکثیر گردید، مردی به سادگی یک کوه، گنجی گم‌گشته در رنج، رنج سال‌ها تحقیر و توهین به خاطر ارتکاب و آلودگی به موسیقی. صفدر خیرعلی «دوتار» / دمبوره‌اش را با «زخمه»‌های انگشت می‌نواخت تا زخم روح مرد هنرمند کوهساران را مرهمی بگذارد. زخمه صفدر خیرعلی بر زه دمبوره زخم آگین بود؛ غمگین بود. ششاد بود. همه چیز بود و هیچ چیزی نبود جز تراوشی از ژرفای زلال تارهایی که با ضرب زخمه رامشگری می‌کرد.

کوک دوم- زندگینامه صفدر خیرعلی

صفدر خیرعلی در قریه «کیلگو»، یکی از قریه‌های سنگتخت ولسوالی

سنگتخت-بندر ولایت دایکندی در مرکز افغانستان به دنیا آمد. تاریخ تولدش دقیقاً معلوم نیست؛ اما آن‌گونه که گفته‌اند: صفدر خیرعلی در حدود هشتاد سالگی چشم از جهان پوشیده است، بنابراین باید حول و حوش ۱۳۱۱ هجری خورشیدی (۱۹۳۲م) به دنیا آمده باشد.

از آموزش‌های وی در زمینهٔ دمبوره معلوماتی در دست نیست. گفته می‌شود که وی دمبوره‌زنی / نوازی را در نزد هنرمندی به نام «شاه لالی» آموزش دیده است؛ اما این که شاه لالی چه کسی بوده است، نیز معلوماتی در دست نیست. مردم زادگاه وی می‌گویند که صفدر خیرعلی علاوه بر نواختن دمبوره و آوازخوانی «چنگ» نیز می‌زده است و در جوانی‌های خود بر زین اسبی که در حال گشتار بوده می‌ایستاده و یا چهار زانو می‌کرده دمبوره می‌نواخته و رقص می‌کرده است.

صفدر تا سال‌های سال در زادگاهش، در قریهٔ «دهان راه نو کلیگو» ی سنگتخت زندگی کرد و عمری را در دربار خوانین محلی چون حیدرخان و ارباب کریم خان خدمت کرد. با شروع حضور اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان و شروع جنگ، در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰م)، ترک دیار کرد و راهی ایران گردید و در تهران ساکن شد. دوره‌های غربت و هجرت را در حومهٔ تهران، اسلام شهر، محلهٔ چهار راه ملارد، در منطقهٔ لوم‌آباد سپری کرد و در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲م) در همین محل چشم از جهان بست.

صفدر خیرعلی؛ نامش صفدر فرزند خیرعلی به خاطر نام پدرش پسوند خیرعلی بر نام صفدر افزوده شد و به نام صفدر خیرعلی شهرت یافت. از آنجایی که هنجارشکنی جزء خصیصه‌های هنرمندان است و روانشاد صفدر خیرعلی نیز از این خصیصه برخوردار بود. وی در یکی از مصاحبه‌هایش گفته است که «بعد از فوت پدر، سر قبر پدر در قبرستان «ادیره دان قرامد» کلیگوی سنگتخت رفته و به جای اجرای آیین‌های مذهبی و دینی چون قرآن‌خوانی و فاتحه‌گیری چند پنجه مست دمبوره زده و به روح پدرش نثار کرده است.» بدین ترتیب، صفدر خیرعلی در دنیای خودش زندگی می‌کرده و هر آن‌چه که خودش می‌خواست انجام می‌داده و آن متاعی را که داشته عرضه می‌کرده است.

صفدر خیرعلی، تاریخ معاصر دمبوره در مناطق هزاره‌جات بود که بیش از یک قرن از هنر دمبوره پاسبانی کرد و وی یکی از قدیمی‌ترین‌های موسیقی دمبوره بود. او خاطرات موسیقی محلی را با خود داشت و نشیب و فرازها، خاطرات و خطرات هنر سنتی و محلی دمبوره را تا اخیر عمرش حمل کرد. وی در یکی از مصاحبه‌هایش در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹م) در لوم‌آباد تهران دربارهٔ انواع دستگاه‌های دمبوره در هزاره‌جات گفته است: در سابق، هفتاد کوک، رفت و یا دستگاه رواج داشته است که متأسفانه اکنون فراموش شده‌اند.

کوک سوم = کوک‌های ویژهٔ صفدر خیرعلی

اجراهای صفدر خیرعلی به شکل آلبوم در نیامده است؛ بنابراین، معلوم نیست که از وی چند آهنگ یا اجرای دمبوره باقی مانده است. بدی کار در افغانستان همین است که نهادها، مراجع و مؤسسات فرهنگی در صدد برنیامدند که آثار هنری نوازندگان و آوازخوانان را با الگوها و روش‌های علمی کدگذاری کرده ثبت کنند و آثار هنرمندان دارای کاپی‌رایت باشد.

مصاحبه‌ای که با محمدنعیم واثق سنگتخت در روزهای پس از مرگ صفدر خیرعلی داشتم، آقای واثق گفت یک فیه از آهنگ‌های قدیمی شادروان صفدر خیرعلی در نزدش در قریهٔ سنگتخت ولایت دایکندی موجود است. البته در حال حاضر تعدادی از اجراها و آهنگ‌های صفدر خیرعلی با کیفیت پائین در اینترنت به خصوص در ویسایت یوتیوب موجود است.

اجراها و نغمه‌های صفدر خیرعلی در دوران مهاجرت شکوفاتر شد ولیکن وضع و حالش بهبود نیافت. به تاریخ دهم سرطان ۱۳۷۸ که با جمعی از نویسندگان و شاعران به سراغ صفدر خیرعلی رفتیم، وی را در یک اسپ‌داری یا محل پرورش اسپ یافتیم. مردی با قامت سادگی کوهستان‌های زادگاهش که متاعی برای مردم به جز تارهای حنجره و تارهای دمبوره نداشت که عرضه کند.

صفدر خیرعلی مثل هر هنرمند دیگر این سرزمین نسل غریب این سرزمین است؛ اما هنر در ذات خودش جوهرهٔ ماندگار و تأثیرگذار است. با آن‌که اجراها و نغمه‌ها و آوازهای وی به شیوهٔ علمی تهیه و ترتیب نشده و برای کار هنری این هنرمند قدیمی، سبک‌شناسی، نت‌گذاری، شناسایی هنرش کاری نشده است؛ با این حال صدا و سازش در گنج دل هر هنر دوست، زنده است.

تا آن‌جا که در جریان نگارش این یادکرد هرچه تلاش کردم که عناوین تعریف شده برای نغمه‌ها، آهنگ‌های صفدر خیرعلی مثل هر آهنگ دمبورهٔ دیگر مردم هزاره دستگاه، ساخته نشده است. با این حال، آهنگ‌های صفدر خیرعلی در نوع خودش پژوهشی است برای عالمان علم موسیقی محلی و خوانشی است از روان‌شناسی هنر ساز و آواز مردم هزاره که در ارائه و اجرای موسیقی دمبوره با تمام ویژگی‌ها و خصوصیات بومی، محلی و نواحی خودش؛ اما مشترکاتی با کشورهای مختلف دارد که در آن دوتار، تنبور و سایر سازهای زهی و زخمه‌ای رایج است.

تتها تفاوتی که دمبوره هزارگی با سایر سازهای زهی و زخمه‌ای مثلاً خراسان دارد این است که به همان اندازه که دمبوره در افغانستان متدیک نشده است و علمی نگردیده است، اما در کشورهای دیگر دوتار به عنوان امر مشترک با دمبورهٔ هزارگی علمی شده است. به هر حال، دمبوره در افغانستان به ویژه دمبورهٔ هزارگی در مقیاس با دمبوره‌ای که مثلاً در خراسان امروز، مثلاً دوتار استاد سمندری هزاره که مشخصاً یکی از آهنگ‌های وی «مقام هزارگی» نام دارد، روشمند شده است و نت‌گذاری گردیده است. این حرف معنایش این است که هنرمندانی مانند روانشاد صفدر خیرعلی رسالت هنری خود را به خوبی انجام داده است؛ اما امر پژوهش و علمی سازی دمبوره کار متخصصین، موسیقی‌دانان و عالمان موسیقی است که بایستی انجام می‌شد، حال که انجام نشده است، آرزومندیم که انجام شود.

صفدر خیرعلی و هنرمندان دیگر در نوع خود توانسته‌اند هنر موسیقی زهی دمبوره را از نسلی به نسل دیگر و به صورت شفاهی منتقل کنند؛ اما آیا روشمند ساختن دمبوره و هم‌چنین تسلسل و انتقال آن به نسل‌های بعدی و دوره‌های بعدی چه پیش‌بینی می‌شود؛ بحثی است که ارتباطی به صفدر خیرعلی نمی‌گیرد.

صفدر خیرعلی،
تاریخ معاصر
دمبوره در مناطق
هزاره جات بود که
بیش از یک قرن از
هنر دمبره پاسبانی
کرد و وی یکی از
قدیمی ترین های
موسیقی دمبره
بود. او خاطرات
موسیقی محلی را
با خود داشت و
نشیب و فرازاها،
خاطرات و
خطرات هنر سنتی
و محلی دمبره
را تا اخیر عمرش
حمل کرد.



صفدر خیرعلی آهنگ‌ها و نغمه‌هایش بر پایه شفاهی و سینه به سینه انتقال یافته است. در این انتقال، آهنگ‌ها و نغمه‌هایش گاهی حزن‌انگیز است و گاهی شاد. زه‌ها و صداها در دمبره صفدر خیرعلی ترکیبی از حزن و شادی است که از ژرفای روان جامعه‌ای که در آن چشم‌گشوده است و در آن زندگی کرده است و نهایت با آن چشم از جهان پوشیده است؛ اما آوازاها و صداهایش همچنان برای سال‌ها باقی مانده است.

آهنگ‌ها و نغمه‌های صفدر خیرعلی در فرهنگ موسیقی محلی هزارگی به نام کوک، رفت نیز یاد می‌شود که در این بین صفدر خیرعلی کوک‌های ویژه خودش را دارد که با استفاده از کوک دمبره «دستگاه‌ها و آوازه‌های مختلف، آهنگ‌های مربوط به دستگاه و یا آوازی دیگر را نواخته» است.

تا آن‌جا که این تحقیق حاکی است آهنگ‌ها و نغمه‌های که ویژه صفدر خیرعلی بوده است این‌هاست:

۱. کوک دو امباغ:

امباغ بزرگتر می‌گوید:

«کلو مَوگه کَلتر مَه یوم

خُونده بچه دختر مَه یوم.»

امباغ کوچک می‌گوید:

«از همگی بهتر مَه یوم

د نزد شوی بهتر مَه یوم.»

البته همین دستگاه را هنرمندان دیگر همانند استاد صفدر توکلی و دیگران نیز اجرا کرده‌اند.

۲. کوک کته‌پیچه: این آهنگ، آهنگ بسیار مفصلی است که شروع آن به این شکل است:

«کته پیچه سبزی

آجب پیچه سبزی»

۳. آهنگ لیلی: آهنگ و یا رفت لیلی از جمله کوک‌های به جا مانده از صفدر خیرعلی است. یادم هست که می‌گفتند این ترانه زبان حال زن عاشق‌بازی است که به بهانه لالایی کودکش، آدرس محلش را به معشوقش بیغام می‌دهد:

«آکو بیه، آکو بیه

تیلون تنباکو بیه

جیگه سر ساکو بیه

نلغه آیه را خواو الوی

وقره آیه را خواو الوی

تمبه درگه جارویه

پیره درگه خورویه

جاگه مه د بورویه

جاگه سر ساکو بیه

نلغه آیه ر خواو الوی

تولغه آیه ر خواو الوی

آکو بیه آکو بیه

تیلون تنباکو بیه

جیگه سر ساکو بیه

نلغه آیه ر خواو الوی

تولغه آیه ر خواو الوی.»

۴. کوک زرگریچه:

«زرگر بچه آمده بود

چوری خوب آورده بود

بخروم یا نخروم

سودای زرگر بچه را

بشکنوم یا نشکنوم

قفل سر صندوقچه را.»

۵. کوک «دختر خان»:

«دختر خان تو شیرینی

ملم جان تو شیرینی

گل پیرهن تو شیرینی

لعل یمن تو شیرینی

شیرین سخن تو شیرینی

شاه زنان تو شیرینی.»

البته همین آهنگ را علاوه بر صفدر خیرعلی استاد صفدر توکلی نیز اجرا کرده است. البته از آنجایی که هریک از این کوک‌ها از جزء اجراها و ارائه‌های هنری مردمی و سینه به سینه است؛ لذا کسی به طور قطع نمی‌تواند ادعا کند از جزء ابداعات هنرمند خاص است.

منابع

- هفته نامه گلپانگ (۱۳۷۸)، ضمیمه هفته نامه وحدت، ارگان نشراتی حزب وحدت

اسلامی، شماره ۴۹، سال سوم.

- پیام، علی، بی بی سی.